

حکمه‌هایی اخلاقی از کلمات امام خمینی^(ره)

یاسر جهانی پور



د: همدم شیطان گشتن: «ومن یعش عن ذکر الرحمن نقیض له شیطاناً فهو له قرین»^(۷)

هت تنگی معیشت: «ومن اعرض عن ذکرى فان له معیشة ضنکا»^(۸)

و: نایبایی در قیامت: «ونحشره یوم القیامه اعمی»^(۹)
ز: عذاب روز قیامت: «ومن یعرض عن ذکر ربّه یسلکه عذابا صعدا»^(۱۰)

پس از آن که معلوم شد غفلت دارای مضرات بسیار و عامل همه گناهان است بزرگان راه‌های زیر را برای دوری از غفلت و حصول بیداری پیشنهاد می‌کنند که تکرار و ممارست در این امور همواره سفارش شده است:

اول: تفکر در افعال و آثار الهی و مخلوقات خداوندی که در قرآن بارها و بارها به طرق مختلف و با الفاظ گوناگون به آن اشاره شده و بندگان به این قسم تفکر دعوت شده‌اند از آن جمله می‌فرماید: «وفی الارض آیات للموقنین وفی انفسکم افلا تبصرون»^(۱۱) نتیجه این تفکر طلوع انوار الهی و اشراقات ربانی و تابش فیوضات حقانی بر قلب سالک و سپس عشق او به ذات پاک حقتعالی است.

دوم: تدبیر و تأمل در آیات قرآن. به لحاظ آنکه قرآن نور است با تکرار و تأمل در قرائت دل انسان انواری از قرآن را گرفته و راه سعادتش را از آن خواهد جست. زیرا که حقتعالی خود می‌فرماید: «انّ هذا القرآن یهدی للتی هی اقوم»^(۱۲)

سوم: تفکر و تأمل در سیره انبیاء و اولیاء و بزرگان و علماء تا با تأسی به شیوه ایشان والگو قرار دادنشان دل انسان تکانی خورده شاید بیداری برای او حاصل شود.

چهارم: تفکر در احوال اموات و مردگان و گذر در گورستانها و دانستن اینکه انسان روزی سرانجامی اینچینی خواهد داشت. امام خمینی می‌فرماید: از جمله اعمالی که باعث دلسردی از لذت دنیا و

■ نکته ۶: (ذکر خدا)

ای عزیز قلب راه آداب عبودیت مانوس کن و به ذائقه روح حلاوت ذکر خدا را بجشان و این لطیفه الهیه در ابتداء امر به شدت تذکر و انس با ذکر حق حاصل می‌شود ولی در ذکر قلب مرده نباشد و غفلت بر آن مستولی نشود و چون با تذکر قلب را مانوس نمودی کم کم عنایات ازلیه شامل حالت گردد و فتح ابواب ملکوت بر قلبت گردد.^(۱)

شرح: کلمه ذکر که در آیات و روایات از آن بسیار یاد شده است در یکی از معانی زیر به کار می‌رود:

۱- به معنای مطلق یاد
۲- در مقابل غفلت مانند آیه «و لاتطع من اغفلنا قلبه عن ذکرنا»^(۲)

۳- ذکر در مقابل نسیان و نسیان عبارت است از این که صورت علم به کلی از خزانه ذهن زایل شود و ذکر بر خلاف نسیان، عبارت است از این که آن صورت همچنان در ذهن باقی باشد و حق در آیه: «واذکر ربک اذا نسیت»^(۳)

غفلت به تصریح آیات و روایات عامل سقوط انسان در ورطه هلاکت و نابودی و یکی از غلیظترین حجابهایی است که انسان را از رسیدن به مقصود باز می‌دارد زیرا تا غفلت است بیداری نخواهد بود و وقتی بیداری نباشد هیچ سیر و سلوکی انجام نخواهد گرفت. از اثراتی که بر غفلت و دوری از ذکر و فراموشی یاد خدا مترتب است و خداوند در قرآن آنها را بیان کرده می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:
الف: فروپاشی انسانیت: «ولاتکونوا کالذین نسوا اللّه فانسیهم انفسهم»^(۴)

ب: دوری از خدا: «فاذکرونی اذکرکم»^(۵)
ج: قرار گرفتن در حزب شیطان: «استحوذ علیهم الشیطان فانسیهم ذکر الله اولئک حزب الشیطان»^(۶)

ضعف علاقه به آن و احیاناً موجب قطع رشته دوستی با دنیا است به زیارت اهل قبور رفتن است و این از آن جهت است که رفتن به گورستان در تذکر مرگ اثری عمیق دارد و در دستورات دینی آمده است که هر وقت خیلی خوشحال و فرحناک بودی و یا خیلی افسرده و غمگین شدی به زیارت اهل قبور برو. (۱۳)

■ مراتب ذکر:

در یک تقسیم بندی ذکر به دو مرتبه زبانی و قلبی تقسیم می‌شود. علماء اخلاق به این نکته اشاره کرده‌اند که قلب زمانی ذاکر خواهد بود که زبان همچون معلمی که کودکی را تربیت می‌کند، قلب را به ذکر تعلیم دهد. پس از مداومت بر ذکر زبانی لسان قلب گشوده شده و دل بی آنکه زبان چیزی بگوید ذاکر خواهد بود. به لحاظ آنکه قلب رئیس بدن است و در هر حالی که باشد دیگر اعضا را بدنبال خود خواهد کشانید اگر ذاکر شود بی شک زبان به تبع دل ذکر می‌گوید. امام می‌فرمایند: شیخ عارف کامل ما جناب شاه آبادی روحی فداه می‌فرمودند: شخص ذاکر باید در ذکر مثل کسی باشد که به طفل کوچک که زبان باز نکرده می‌خواهد تعلیم کلمه کند تکرار می‌کند تا اینکه او به زبان می‌آید و کلمه را ادا می‌کند پس از این که او ادا می‌کند، معلم از طفل تبعیت می‌کند و خستگی آن تکرار بر طرف می‌شود و گویی از طفل به او مددی می‌رسد، همینطور کسی که ذکر می‌گوید باید به قلب خود که زبان ذکر باز نکرده تعلیم ذکر کند و نکته تکرار اذکار آن است که زبان قلب گشوده شود و علامت گشوده شدن زبان قلب آن است که زبان از قلب تبعیت می‌کند و زحمت و تعب تکرار مرتفع شود اول زبان ذاکر بود و قلب به تعلیم و مدد آن ذاکر شود و پس از گشوده شدن زبان قلب، زبان از آن تبعیت کرده و به مدد آن یا مدد غیبی متذکر شود. (۱۴) در جای دیگر امام می‌فرمایند: مثلاً ذکر شریف لاله الا لله را که بزرگترین اذکار و شریفترین اوارد است در این وقت فراغت قلب با اقبال تام به قلب بخواند به قصد آنکه قلب را تعلیم کند و تکرار کند این ذکر شریف را و به قلب به طور طمانینه و تفکر بخواند و قلب را با این ذکر شریف بیدار کند تا آنجا که قلب را حالت تذکر و رقت پیدا شود پس بواسطه مدد غیبی قلب به ذکر شریف غیبی گویا شود و زبان تابع قلب شود. (۱۵)

■ چند نکته در کلام امام:

۱- مقصود امام در عبارت فوق ذکر زبانی همراه با توجه قلبی است.

۲- شرایط ادای ذکر از نظر امام خمینی (ره) سه چیز است.

اول: شدت ذکر و تکرار و ممارست بر آن.

دوم: انس با حضرت حق که به معنای توجه قلبی در هنگام ذکر گفتن است.

سوم: دل در هنگام ذکر گفتن زنده باشد. برای زنده شدن و احیای دل امام می‌فرمایند: بالجمله برای زنده نمودن دل، ذکر خدا و خصوص اسم مبارک یاحی و یا قیوم با حضور قلب مناسب است. و از بعضی اهل معرفت منقول است که در هر شب و روزی یک مرتبه در سجده گفتن و بسیار گفتن: لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین برای قیام روحی خوب است. (۱۶)

۳- نتیجه ذکر حقیقی، باز شدن درهای ملکوت بر قلب انسان است که بر این امر فواید بسیاری مترتب می‌باشد. امام در مورد ذکر حقیقی می‌فرمایند: با ذکر حقیقی حجابهای بین عبد و حق خرق می‌شود و موانع حضور مرتفع می‌گردد و درهای ملکوت اعلی به روی سالک باز شود ولی عمده آن است که قلب در آن ذکر زنده باشد و با مردگان انس نگیرد. (۱۷) حضرت امام در مورد اثر ذکر حقیقی می‌فرمایند: ای عزیز تذکر محبوب و به یاد معبود به سر بردن نتیجه‌های بسیاری برای عموم طبقات دارد. اما برای کفل و اولیاء و عرفا که خود آن غایت امال آنهاست و در سایه آن به وصال جمال محبوب خود رسند. هیناً لهم و اما برای عامه و متوسطین بهترین اصلاح کننده اخلاقی و اعمالی و باطنی است. انسان اگر در جمیع احوال و پیش آمدها به یاد حقتعالی باشد و خود را در پیشگاه آن ذات مقدس حاضر ببیند البته از اموری که خلاف رضای او است خودداری کند و نفس را از سرکشی جلوگیری کند. این همه مصیبات و گرفتاری به دست نفس اماره و شیطان رجیم غفلت از یاد حق و عقاب اوست. غفلت از حق کدورت قلب را زیاد کند و نفس و شیطان را بر انسان چیره کند و مفاسد را روز افزون کند و تذکر و یادآوری از حق دل را صفا دهد و قلب را صیقلی نماید. و جلوه گاه محبوب کند و روح را تصفیه نماید و خالص کند و از قید اسارت، نفس را براند.

■ نکته: ذکر در قرآن و روایات

خداوند در قرآن به سه نکته مهم پیرامون ذکر اشاره فرموده است.

نکته اول: حقتعالی در بعضی آیات بندگانی را به ذکر بسیار ترغیب فرموده و نتیجه آن را احتمال رستگاری قرار داده است. از آن جمله می‌فرماید: یا ایها الذین آمنوا اذکروا الله کثیراً و سبحوه بکره و اصیلاً (۱۸) و اذکروا الله کثیراً لعلکم تفلحون (۱۹)

نکته دوم: خداوند ذکر را مایه آرامش و اطمینان دل قرار داده است و این زمانی است که نقش ذکر بر لوح دل حک شده و مرتبه ذکر قلبی حاصل شده باشد. ذکر قلبی هم زمانی بدست خواهد آمد که طبق فرمایش حضرت امام و توضیحاتی که داده شد، دل از حالت مرده بودن خارج شده باشد. الذین آمنوا و تطمئن قلوبهم بذكر الله الا بذكر الله تطمئن القلوب (۲۰) به تصریح و نص آیه فوق زمانی که انسان ذکر می‌گوید دلش به آن آرام می‌گیرد پس اگر ذکر گفتی و دلت به یاد حق آرام نگرفت بدان ذکر تو از روی حقیقت و با قلب زنده نبوده، بلکه جز لقلقه زبان برایت حاصلی نداشته است.

نکته سوم: حقتعالی ذکر را نشانه صاحبان خرد و در بعضی موارد دیگر نشانه مؤمنان معرفی کرده است. بنابراین مؤمنان صاحب خرد واقعی‌اند اگر صاحب مقام ذکر باشند آن فی خلق السموات والارض و اختلاف الليل والنهار لآیات لاولی الالباب الذین یذکرون الله قیاماً و قعوداً و علی جنوبهم (۲۱) انما المؤمنون الذین اذا ذکر الله وجلت قلوبهم (۲۲)

اما ذکر در روایات که به آن بسیار تصریح شده از آن جمله امام صادق فرمود: ما من مجلس یجتمع فیه الابرار و الفجار فبقومون علی غیر ذکر الله تعالی الا کان حسرة علیهم یوم القیامه. (۲۳) هیچ مجلسی نیست که در آن نیکان و بدان جمع باشند و بر غیر یاد خدا



از آن مجلس برخیزند جز این که روز قیامت این مجلس بر آنان مایه حسرتی باشد.

و عن ابی عبدالله (ع) قال: قال الله تعالی من ذکرنی فی ملامن الناس ذکرته فی ملا من الملائکه^(۲۴) امام صادق فرمود: خداوند می فرماید هر که مرا در جمعی از مردم یاد کند من او را در جمعی از ملائکه یاد می کنم.

و ایضاً قال: قال الله تعالی من ذکرنی سرّاً ذکرته علانیه^(۲۵) امام صادق فرمود: حق می فرماید هر که مرا در نهان یاد کند من او را در آشکار یاد کنم.

■ نکته ۷: از خدا خواستن

تو اگر عار نداری از طلب دنیا، لا اقل از مخلوق ضعیف که مثل خود تو است طلب مکن. بفهم که مخلوق را قدرتی نیست برای تعمیر دنیای تو.^(۲۶)

شرح: درخواست مقاصد دنیوی اگرچه برای اهل ایمان مذموم بوده و نکوهش شده، اما اگر هم مؤمن خواست دنیوی دارد جایز نیست که از غیر حقتعالی بخواهد زیرا توجه به غیر حقتعالی خیانت به حق است و حب به غیر ذات مقدس و خاصان او، که حب اوست در مشرب عرفان و اولیاء الهی جز خیانت به حق چیز دیگری نیست. مؤمن در سیر و سلوک به جایی می رسد که برای هیچ موجودی جز حقتعالی استقلالی قائل نیست. از این مقام تعبیر به توحید افعالی می شود. توحید افعالی یعنی همه کارهایی که در عالم انجام می گیرد از سوی خدای واحد و جز به اراده و خواست او نیست و به عبارت دیگر تنها فاعل مستقل در عالم که فاعلیتش وابسته به هیچ موجود دیگری نیست خداوند است و فاعلیت سایر موجودات جلوه‌ای از فاعلیت او است که بدون اذن و اراده او محقق نمی گردد. بنابراین هر چه در پهنه هستی رخ می دهد، فعل خداوند و در حیطه اراده و خواست او است. کسی که به توحید افعالی رسیده باشد اراده و مشیت خدا را در همه جا ثابت و حاضر می بیند و در ورای هر پدیده و حادثه‌ای اثری از فاعلیت او می بیند؛ اثر این نوع تفکر و جهان بینی آن است که هیچگاه بندگان را برای رفع حاجات و بر آوردن اهداف و نیات و امال و آرزوهای خود، مفید و دارای اثر نمی بیند، بنابراین تنها رو به سوی درگاه پروردگار متعال نموده و حاجات خود را از او خواسته و استجابت دعاهايش را از او می طلبد. رسیدن به این مرتبه مستلزم در نظر گرفتن و اعتقاد و یقین داشتن به چند امر است:

- ۱- اعتقاد به اینکه خداوند خالق و آفریننده تمام عوالم وجود و جهان آفرینش است. **ذَلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ فَاعْبُدُوهُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ^(۲۷)**
- ۲- اعتقاد به این که بر انجام هر کاری قادر و تواناست. **وَ هُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ^(۲۸)**
- ۳- اعتقاد به این که به حاجات بندگان و خواسته‌های آنان علم و آگاهی دارد. **وَ عِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَ يَعْلَمُ مَا فِي الْبُرِّ وَ الْبَحْرِ وَ مَا تَسْقُطُ مِنَ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا^(۲۹)**
- ۴- اعتقاد به این که خداوند اگر صلاح بداند در رفع حاجت بندگان اراده خواهد فرمود. **وَ قَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ^(۳۰)** یا

اعتقاد به این امور سالک به یقین در خواهد یافت که جز حقتعالی کسی به حقیقت نخواهد توانست حاجات او را رفع و مشکلات او را بر طرف کند. یکی از مواردی که به عنوان مانع برای استجابت دعا ذکر شده، همین توجه به مخلوقات و استقلال قائل شدن برای آنها و امید بر آوردن حاجت بدست آنهاست. امام خمینی بارها و بارها در کلام و آثار خود بندگان را از توجهات بیجا به مخلوقات بر حذر داشته و گوشزد فرموده‌اند که اگر حجاب ظلمانی را پاره کنی ظهور حق را در همه اشیاء و احاطه‌اش رابه آنان خواهی دید. از آن جمله می فرماید: قلب خود را از اشتغال به غیر که تو را از مشاهده جمال جمیل علی الاطلاق محجوب می کند خالی کن که این اشتغال به غیر قذارت و شرک است و حقتعالی نمی پذیرد مگر دلی را که هر چه بیشتر پاکیزه تر و خالصتر باشد.^(۳۱) باز در جای دیگر می فرماید: ای مدعی ایمان و خضوع قلب، در بارگاه ذوالجلال اگر تو به کلمه توحید ایمان داری و قلبت یکی پرست و یکی طلب است و الوهیت را جز برای ذات مقدس حقتعالی ثابت ندانی اگر قلبت موافق با ظاهر است و باطنت موافق با دعویت است چه شده است که برای اهل دنیا این قدر قلبت خاضع است؟ چرا پرستش آنها را می کنی؟^(۳۲)

بی نوشتها:

۱. آداب الصلاة امام خمینی، ص ۲۲۰.
۲. سوره کهف، آیه ۲۸.
۳. همان، آیه ۲۴.
۴. سوره حشر، آیه ۱۹.
۵. سوره بقره، آیه ۱۵۲.
۶. سوره مجادله، آیه ۱۹.
۷. سوره زخرف، آیه ۲۶.
۸. سوره طه، آیه ۱۳۴.
۹. همان.
۱۰. سوره جن، آیه ۱۷.
۱۱. سوره ذاریات، آیات ۲۱ و ۲۲.
۱۲. سوره اسراء، آیه ۹.
۱۳. پرواز در ملکوت، امام خمینی، ج ۱، ص ۱۹۹.
۱۴. شرح چهل حدیث، ص ۳۹۲ و ۳۹۳.
۱۵. شرح حدیث جنود عقل و جهل، امام خمینی، ص ۲۰۴.
۱۶. آداب الصلاة، ص ۲۷۲.
۱۷. شرح حدیث جنود عقل و جهل، ص ۱۳۴.
۱۸. سوره احزاب، آیه ۴۰ و ۴۱.
۱۹. سوره انفال، آیه ۴۵.
۲۰. سوره رعد، آیه ۲۸.
۲۱. سوره آل عمران، آیات ۱۹۰ و ۱۹۱.
۲۲. سوره انفال، آیه ۲.
۲۳. اصول السنة عشر، عدد محدثین، ص ۶۶.
۲۴. کافی، شیخ کلینی، ج ۲، ص ۵۰۱.
۲۵. همان، ص ۴۹۸.
۲۶. چهل حدیث، ص ۱۶۰.
۲۷. سوره انعام، آیه ۱۰۲.
۲۸. همان، آیه ۱۸.
۲۹. همان، آیه ۵۹.
۳۰. سوره غافر، آیه ۶۰.
۳۱. پرواز در ملکوت، ج ۱، ص ۲۷۴.
۳۲. چهل حدیث، ص ۱۶۱.